

اخلاق فردی

ریا

مقدمه

ریا کار کسی است که به جای زندگی «برای رضای خداوند تبارک و تعالی»، «برای رضای مردم» زندگی می کند. چنین شخصی نزد خدای تعالی از پاداشی برخوردار نیست و اجر او تنها همان عطای مردم در ازای خود نمایی او می باشد. انسانی که شعار ابدی او، «زندگی برای رضای خداوند تبارک و تعالی» باشد، اگر با این هدف اعمال خود را به مردم نیز نشان دهد و از ثمرات آن هم برخوردار گردد، ریاکار نیست؛ بلکه به «رضوان من الله اکبر» نیز دست می یابد، خواه مردم قدر او را بدانند یا ندانند.

انسان در سازندگی خود که همان سازندگی اخلاقی است راهی را در پیش دارد که نمی تواند آن را جز با رهایی از ریا و داشتن هم واحد یا «کسب رضای خداوند تبارک و تعالی» تا رسیدن به مقصد نهایی ببیماید.

در این درس که حاوی مباحثی در شناخت ریا و رهایی از آن است عناوینی همچون تعریف ریا، نشانه های ریا، زیانهای ریا، ریشه ها و اقسام ریا و راه درمان آن مطرح می گردد.

محتوای آموزشی

ریا

ریا رذیله ای است که در مورد انجام عبادات و کارهای نیک، برای انسان پیش می آید. معنای «ریا» نشان دادن است. در اصطلاح «کاری که شخصی انجام می دهد و هدفش منزلت یافتن و کسب وجهه نزد مردم است» تا با دیدن و شنیدن آن از او خوششان آید و او را آدم خوبی بدانند، «ریا» نام دارد. گاهی هم «سُمعه» گفته می شود، یعنی علاقه به اینکه کار نیک و عبادت شخص به گوش و سمع دیگران برسد.

ریا حرام است و موجب بطلان عمل عبادی می شود و عبادت و عمل صالح از روی ریا بی ارزش است و ثوابی هم برای آن مترتب نمی شود. زشتی آن در آنجا بیشتر است که عمل، عمل قرب آور به خدا باشد مثل نماز و عبادت، و به سبب ریا انسان را از خدا دورتر سازد. قرآن کریم با لحنی تند از نمازگزاران ریاکار یاد می کند:

«فویلٌ للمصلّین، الذّین هم عن صلاتهم ساهون، الذّین هم یراؤون» [۱] وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غفلت می کنند، آنان که ریا می کنند.

«ریا» را شرک خفی هم گفته اند، چون شریک قرار دادن برای خدا در عبادت است، یعنی انجام عبادتی برای غیر خدا، یا برای خدا و غیر خدا با هم. قرآن کریم نیز دستور می دهد که از شرک در عبادت پرهیز شود: «ولا یشرک بعباده ربّه أحداً» [۲]

انواع ریا

در کتب اخلاق برای ریا انواعی ذکر کرده اند، که برخی به حرف مربوط می شود، برخی به عمل، برخی به حالات و کیفیت ظاهری:

۱- ریا در دین به صورت بدنی، یعنی خود را لاغر و رنگ پریده و غمگین نشان دادن و آهسته حرف زدن و کم خوردن و کم خوابیدن، تا نشان دهد که اهل آخرت است و به دنیا و مادیات، اعتنایی ندارد.

۲- ریا در شکل و شمایل، مثلاً ژولیده موی و آرام راه رفتن و قیافه عابدان درست کردن و لباس خشن پوشیدن و اثر سجده بر پیشانی.

۳- ریا به گفتار، یعنی سخنان موعظه آمیز گفتن و از آیات و روایات و مواعظ بیان کردن و لب را به ذکر حرکت دادن و در حضور دیگران ذکر گفتن و امر به معروف و نهی از منکر، تا نشان دهد که مرد خدا و دیندار است.

۴- ریای به عمل، به جا آوردن سجده و رکوع طولانی، سر را پایین افکندن، در حضور دیگران انفاق کردن یا دعا خواندن و تواضع نشان دادن.

۵- ریا در جمع مردم، یعنی با علما و زهاد و صالحان و فقرا زیاد رفت و آمد و نشست و برخاست کردن، یا آنان را به خانه خود دعوت کردن تا نشان دهد در دینداری مرتبه والایی دارد. [۳]

گاهی هم ریا در عقاید است، یعنی ابراز برخی مطالب اعتقادی که به آنها باور ندارد و این نوعی نفاق است و هم در زمینه اصول دین پیدا می شود، هم در فروع دین و عبادات مستحب و نوافل، یا در کیفیت انجام عبادات یا انتخاب زمان و مکان خاص برای عبادت. پس وقتی ظاهر عملی برای خدا شد و باطنش برای مردم، این ریا و نوعی شرک خفی است و فاقد ارزش، و کسی که گرفتار این آفت و رذیله باشد، به تدریج خصلت نفاق در او رشد می کند و از سعادت محروم می گردد.



چند حدیث درباره ریا

- ۱- پیامبر خدا(ص): «لا یقبل الله عملاً فیہ مقدار ذرہ من رباء» [۴] خداوند عملی را که ذره‌ای ریا در آن باشد قبول نمی کند.
 - ۲- امام علی (ع): «اعملوا لله فی غیر رباء و لا سمعه، فإنه من عمل لغير الله وکله الله الی عمله» [۵] برای خدا و بدون ریا و سمعه عمل کنید، چرا که هر کس که برای غیر خدا کار کند، خداوند او را به همان عملش وامی گذارد (و به او پاداش نمی دهد).
 - ۳- پیامبر خدا (ص): «إن المرائی ینادی یوم القیامه: یا فاجر، یا غادر، یا مرائی! ضلّ عملک و حبّط اجرک، اذهب فخذ أجرک ممن کنت تعمل له» [۶] روز قیامت به ریاکار ندا می شود: ای فاجر، ای فریبکار، ای ریاکار، عملت تباه شده و اجرت از دست رفته است، برو و پاداش خود را از کسی بگیر که برای او عمل می کردی.
- اینجاست که نکته آن حدیث علوی روشن می گردد که: « تصفیة العمل اشدُّ من العمل » [۷] پاکسازی عمل (از ریا) از خود عمل سخت تر است. و به همین مضمون با عبارتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود «الإبقاء علی العمل حتی یخلص، اشدُّ من العمل» [۸].

نشانه های ریا

ریا، گاهی بسیار خفیف و ظریف و پنهان است و خود عمل کننده هم نمی داند که در زوایای پنهان نیت و انگیزه اش غیر خدا نهفته است. از این رو توجه به علائم و نشانه های ریا و ریاکار که در روایات مطرح است، برای شناخت این آفت بسیار مفید است. امیر المؤمنین (ع) می فرماید:

«للمرائی ثلاث علامات: یکسل اذا کان وحده، و ینشط اذا کان فی الناس، و یرید فی العمل اذا اثنی علیه و یحب ان یحمد فی جمیع اموره»، [۹] ریا کار سه نشانه دارد: وقتی تنهاست، کسل و بی حال است، وقتی در میان مردم است نشاط دارد، وقتی از او تعریف می شود، بر عمل خویش می افزاید و دوست دارد در همه کارهایش او را ستایش کنند.

ریشه و درمان

ریشه ریا در حب مدح و علاقه به ستایش و طمع دنیوی است. کسی که اخلاص و ایمانش به خدا و پادشاهای او ضعیف باشد و علاقه های دنیوی و جاه طلبی در دل او باشد، ریاکار می شود.

درمان آن، یکی توجه به زشتی، آفات، کیفر و بی اجر بودن عملهای ریایی است، یکی هم توجه به اینکه دل دست خداست و محبوبیتی را که او به خاطر عمل صالح و خلوص بدهد، بهتر از موقعیتی است که انسان بخواهد با ریا به دست آورد. و دیگر این که اگر ریای انسان بر مردم آشکار شود، از چشم ها می افتد و بی ارزش می شود. در نتیجه هم خسران دنیوی و هم خسران اخروی خواهد داشت. [۱۰]

تلاش برای عبادت مخفی و عادت دادن خود به کارهای خالصانه و قناعت به اینکه خداوندی که پاداش دهنده است، کافی است که او بداند و مهم، ستایش و نکوهش خداست نه مردم، می تواند این خصلت و رذیله ناپسند را از بین ببرد. خداوند هم کار خیری را که برای او انجام گیرد آشکار می سازد و این انگیزه ای برای اخلاص و ترک ریای در عبادت است.

امام صادق (ع) فرمود: «ما من عبدٍ یسرُّ خیراً الا لم تذهب الاّیام حتی یظهر الله له خیراً...» [۱۱] هیچ بنده ای نیست که کار خیری را پنهانی انجام دهد، مگر آنکه چند روزی نمی گذرد مگر آنکه خداوند برای او خیری را آشکار می سازد.

-
- [۱] ماعون، آیه ۵ تا ۷.
- [۲] کهف، آیه ۱۱۰.
- [۳] برگرفته از «الاخلاق» شرّ، ص ۱۵۷.
- [۴] محجّه البیضاء، ج ۶ ف ص ۱۴۱.
- [۵] همان، ص ۱۴۵.
- [۶] همان، ص ۱۴۱.
- [۷] الحیاه، ج ۱، ص ۲۷۸.
- [۸] کافی، ج ۲، ص ۱۶.
- [۹] همان، ص ۲۹۵.
- [۱۰] از جمله آیات قرآن دربارهٔ ریا و عواقب آن: نساء آیه ۱۴۲، بقره، آیه ۲۶۴.

چکیده

- «ریا» در اصطلاح، انجام کاری به هدف منزلت یافتن نزد مردم و برای خوشایند آنان است.
- در کتب اخلاق برای ریا انواعی ذکر کرده اند که برخی به گفتار ، برخی به رفتار و برخی به حالات و کیفیت ظاهری مربوط می شوند.
- خداوند عملی را که ذره ای در آن ریا باشد قبول نمی کند.
- توجه به علائم ریا و ریا کار که در روایات مطرح است، برای شناخت این آفت بسیار مفید است؛ زیرا گاهی ریا بسیار خفیف و ظریف و پنهان است.
- با توجه به اینکه ریشه ریا در حبّ ستایش شدن و طمع دنیوی است، درمان آن با تقویت اخلاص و ایمان به خدا و پاداشهای او ممکن می باشد.

تکبر

مقدمه

استکبار و تکبر در انسان به این معناست که او خود را بزرگ بشمارد و برتر از خدا یا خلق بداند؛ درحالی که بزرگی و برتری از آن خدای سبحان است و چنین ادعایی از جانب غیر خدا هموردی با ذات باری تعالی و از رذائل اخلاقی است. استکبار و تکبر مخلوقی بر مخلوق دیگر مذموم است؛ زیرا همه در سایه فقر و حاجتند و هیچ کس مالک نفع و ضرری بر خود یا دیگری نمی باشد و استکبار یکی بر دیگری جز ظلم و طغیان و خروج از ساحت بندگی نیست. استکبار مخلوق بر خالق، جز ادعای استقلال و بی نیازی و غفلت از مقام پروردگار نیست؛ زیرا بنده، همه نیاز است و پروردگار غنی به ذات. چون بنده این حقیقت را از یاد می برد خود را بزرگ شمرده و اوامر و نواهی خدا را نادیده می گیرد. از اهداف عینی این واحد آموزشی یاد آوری این نکته است که: ما نباید خود را در جایگاهی قرار دهیم که مختص پروردگار عالم است و با رذیله اخلاقی تکبر خویش را در نزد خدا و خلق بی اعتبار سازیم. موضوعات مطرح در این درس عبارتند از: تکبر و انواع آن، عوامل تکبر، کبر در روایات اسلامی و نمادهای تکبر.

محتوای آموزشی

تکبر

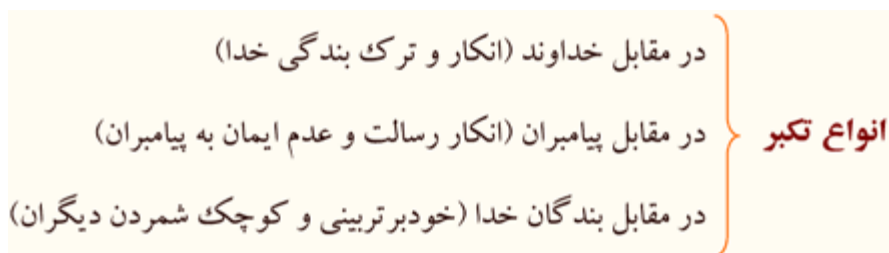
تکبر به معنای خود بزرگ بینی و برتری طلبی نسبت به دیگران است و از نتایج صفت عُجب و خودپسندی به شمار می آید و رذایل دیگری مانند ریاست طلبی، حسد، ظلم، تحقیر دیگران را در پی دارد. کبر، رذیله ای است که ریشه درونی دارد و به تعبیر قرآن کریم درباره کسانی که بی دلیل درباره آیات قرآن جدال می کنند و حاضر به ایمان آوردن نیستند: «**إِن فِي صُدُورِهِمْ أَكْبَرٌ**»، [۱] در سینه های آنان جز کبر نیست. لیکن وقتی به ظهور و بروز می رسد و بر اعضا و اندام و ظاهر آشکار می شود، تکبر و استکبار نامیده می شود.



انواع تکبر

تکبر، گاهی نسبت به خداوند است و به شکل انکار وجود خدا یا تمرد از انجام فرمان او و ترک بندگی صورت می گیرد. گاهی نسبت به انبیای الهی و دین خداست که به صورت انکار رسالت و ایمان نیاوردن به پیامبران و ادیان آسمانی و رد کتاب و شریعت آشکار می شود. گاهی هم نسبت به بندگان خداست که در قالب خود برتر بینی و کوچک شمردن دیگران ظهور می کند و در گفتار و رفتار و نشست و برخاست و معاشرت آشکار می شود. آنچه در اینجا مطرح است، تکبر نسبت به بندگان خداست که از رذایل اخلاق فردی است و کسی که دارای این صفت باشد، در واقع با خدا در صفت کبریاپی او منازعه دارد و خدا هم متکبران را دوست نمی دارد: « لایحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ » [۲] و دوزخ را جایگاه اهل تکبر می داند: « اَلِیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْوًی

لِلْمُتَكَبِّرِینَ؟ » [۳]



عوامل تکبر

چیزهایی که سبب پیدایش صفت کبر در انسان می شود بسیار است. از جمله آنها عبارت است از: مال و ثروت، علم، قدرت، مقام، جمال، حسب و نسب، ضعف شخصیت و حقارت نفس. البته همه این عوامل، در انسان های غیر مهذب و پیرو هوای نفس، احساس برتری و تکبر پدید می آورد، وگرنه در انسان های باکمال، هیچ یک از اسباب یاد شده ایجاد کبر نمی کند، چون می داند همه اینها زوال پذیر است و همه انسانها از یک پدر و مادرند و اصل همه از خاک است.

امام صادق (ع) فرمود: «ما من أحدٍ تكبر أو تحجر إلا لذلّة وجدها في نفسه» [۴]، هیچ کسی نیست که کبر بورزد یا بزرگی بفروشد، مگر به خاطر ذلتی که در درون خود می یابد. این نشان می دهد که روحیه تکبر، گاهی برای جبران آن کمبود شخصیت و ذلت درونی است.

امیرالمؤمنین نیز در حدیثی می فرماید: «ما تكبر إلا وضيع»، جز فرومایه تکبر نمی ورزد.

کبر در روایت

در روایات، از زوایای مختلف به این مسئله توجه شده است، از قبیل: معنا و مفهوم کبر، ریشه و علت تکبر، نشانه ها و علائم متکبر، نمودها و مظاهر کبر، آثار و عواقب تکبر، درمان و علاج تکبر. از انبوه روایات، به چند حدیث اشاره می کنیم:

۱- امام علی (ع): «إتاك و الكبر، فأنه اعظمُ الذنوب و الأثمُ العُيوب»، [۵] از تکبر بپرهیزید که بزرگ ترین گناه و شوم ترین عیب هاست.

۲- امام علی (ع): «عَجِبْتُ للمتكبرِ الذي كان بأمس نطفة و يكون عَدَا جيفة»، [۶] از متکبر در شگفتم، که دیروز نطفه بود و فردایش جیفه خواهد شد.

۳- امام علی (ع): «تَمَرَةُ الكبرِ المسبّه»، [۷] نتیجه کبر، مورد دشنام قرار گرفتن است.

۴- امام صادق (ع): «لا يطمعن ذُو الكبر في الثناء الحسن»، [۸] صاحب تکبر، انتظار ستایش نیکو نداشته باشد.

۵- امام صادق (ع): «من تكبر على الناس ذل»، [۹] هرکس بر مردم بزرگی بفروشد و کبر ورزد خوار گردد.

۶- امام صادق (ع): «الكبر رداء الله، فمن نازع الله شيئاً من ذلك أكبه الله في النار»، [۱۰] بزرگی ردای الهی است، پس هرکس در چیزی از بزرگی با خدا نزاع کند (و کبر ورزد) خداوند او را به چهره در آتش می افکند.

۷- پیامبر اکرم (ص): «اجتنبوا الکبر، فإنَّ العبد لا يزال يتکبر حتی يقول الله عزوجل: اُکتبوا عبدی هذا فی الجبارین» [۱۱]

از کبر بپرهیزید چرا که بنده پیوسته تکبر می ورزد تا آنجا که خداوند فرماید: این بنده مرا از جباران بنویسید.

نمادهای تکبر

رفتار افراد متکبر، نشان می دهد که آنان خود را برتر از دیگران می دانند، از این رو با بی احترامی نسبت به آنان رفتار می

کنند، بعضی از نمادها و نشانه های این تکبر در رفتار از این قرار است:

قیافه گرفتن و روی برتافتن و با گوشه چشم نگاه کردن، با دیگران با لحن بلند و مغرورانه حرف زدن، با تکبر راه رفتن، ادعای

متکبرانه داشتن و پیوسته منم منم گفتن، معلومات خود را به رخ دیگران کشیدن و دیگران را جاهل دانستن، پرهیز از سؤال در

صورتی که چیزی را نمی داند، قبول نکردن حرف دیگران در صورت ثبوت درست بودن، به دعوت فقرا و نیازمندان پاسخ

ندادن، از انجام کارهای شخصی خود دوری کردن، انتظار اینکه دیگران احترامش کنند، به دیگران سلام نکردن، در مجالس در

بالا نشستن، امتناع از قبول موعظه و نصیحت از مردم، مردم را ناچیز و بی ارزش شمردن.

تکبر رذیله ای است که شیطان را از سجده بر آدم بازداشت و ملعون ابدی گشت، فرعون و نمرود را از پذیرش انبیا بازداشت

و به هلاکت رساند. متکبران نه نزد خدا مقام و موقعیت دارند و نه نزد مردم. در قیامت هم جزو حقیرترین پدیده ها محشور

می شوند و به تعبیر روایات مثل مورچه به محشر می آیند که زیر دست و پا له می شوند. [۱۲]

[۱] غافر، آیه ۵۶.

[۲] نحل، آیه ۲۲.

[۳] زمر، آیه ۶۰، آیات دیگر درباره تکبر: اعراف: ۱۳، بقره: ۳۴ و ۸۷، نساء: ۱۷۲، غافر: ۶۰ و دهها آیه دیگر.

[۴] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.

[۵] غرر الحکم، حدیث ۲۶۵۲.

[۶] نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶.

[۷] غرر الحکم، حدیث ۴۶۱۴.

[۸] خصال، ج ۲، ص ۴۳۴.

[۹] بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۳۵.

[۱۰] همان، ج ۷۳، ص ۲۱۵.

[۱۱] میزان الحکمه، حدیث ۱۷۲۲.

[۱۲] محجة البیضاء، ج ۶، ص ۲۱۵، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۱.

چکیده

- کبر به معنای خود بزرگ بینی و برتری طلبی بر دیگران و از نتایج صفت عجب و خودپسندی است و رذائل دیگری نیز در پی دارد.
- تکبر بر بندگان خدا از رذائل اخلاق فردی است و کسی که دارای این صفت باشد، با خدا در صفت کبریایی او هماوردی می کند.
- مال، علم، قدرت، جمال و ضعف شخصیت از جمله عواملی است که در انسانهای غیر مهذب و فرومایه احساس برتری و تکبر می آورد.
- در روایات اسلامی زوایای مختلف تکبر از قبیل معنای تکبر، ریشه کبر، نشانه های متکبر، آثار تکبر و درمان آن بررسی شده است.
- رفتار متکبران حاکی از آن است که آنان خود را برتر از دیگران می دانند؛ از این رو دیگران را به چشم حقارت می نگرند.